نگاهی به کارنامه نامزدهای ریاست فدراسیون فوتبال

«یک غیر کفاشیان» برای جانشینی کفاشیان!

گزارش یک
شیوا نوروزی

تنها چند روز دیگر به برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال باقی مانده و جامعه فوتبال بی‌صبرانه انتظار ۱۸ اردیبهشت را می‌کشد؛ روزی که قرار است پایانی باشد بر ریاست هشت ساله علی کفاشیان. طی این مدت چالش‌های مدیریتی بارها یقه فوتبال را گرفت و ثابت کرد در ساختمان خیابان سئول خبری از مدیریت واقعه‌ای و حرفه‌ای نیست. در حالی که همه ارکان فوتبال، از مدیران و مربیان گرفته تا هواداران می‌دانند اوضاع چقدر وخیم است و هرچه زودتر باید تغییری اساسی در رأس فدراسیون رخ دهد. به همین دلیل است که سه نامزد تأیید صلاحیت شده برای انتخابات روز شنبه در برنامه‌های خود حرف از تحول و حل مشکلات متعدد این روزهای فوتبال ایران زده‌اند. با وجود اینکه نفرات زیادی برای جانشینی کفاشیان خیز برداشته بودند اما صلاحیت بسیاری از آنها رد شد تا در نهایت سه نفر در مجمع انتخاباتی حضور داشته باشند. مهدی تاج، عزیزاله محمدی و مصطفی آجرلو تلاش می‌کنند تا با کنار زدن دیگری خود بر صندلی ریاست فدراسیون تکیه بزنند. تأکید زیاد تاج و آجرلو در استفاده مجدد از کفاشیان از جمله نکات مهم انتخابات پیش رو است.

مهدی تاج

تاج همان کسی است که در سال‌های اخیر اتهام حمایت از تیم‌های اصفهانی متوجه او بوده است. مهدی تاج ۵۷ ساله در این سال‌ها تجربه زیادی در فوتبال کسب کرده؛ تجاربی که در صورت کنار زدن رقبا و تکیه زدن بر صندلی‌ای که هشت سال متوالی در دست کفاشیان بوده قصد دارد به بهترین شکل ممکن از آن استفاده کند. مهم‌ترین پست مدیریتی او در فوتبال نایب رئیسی دوم فدراسیون و ریاستش در سازمان لیگ فوتبال است. تاج همچنین در تیم‌های مطرح اصفهان سمت‌های تأثیرگذاری را در اختیار داشته؛ عضویت در هیئت مدیره باشگاه ذوب آهن، سپاهان و پرسپولیس، ریاست سه ساله هیئت مدیره ذوب آهن و مدیرعاملی سپاهان از جمله مهم‌ترین عناوینی است که در فوتبال باشگاهی در اختیار داشته است. باید به این نکته هم اشاره کرد که رئیس فعلی سازمان لیگ سابقه ریاست کمیته داوران فوتبال و کمیته تیم‌های ملی را نیز در کارنامه دارد. مهدی تاج علاوه بر فعالیت‌های فوتبالی فعالیت‌های اقتصادی قابل توجهی نیز انجام داده و مدیریت در این عرصه را هم تجربه کرده است.

معاونت بنیاد استان اصفهان، مسئول اداره کل بازرگانی استان اصفهان، معاونت فروش و صادرات شرکت ذوب آهن و فولاد مبارکه پست‌هایی غیرورزشی هستند که کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال عهده‌دار آنها بوده است. تاج همانطور که انتظار می‌رفت علی کفاشیان را در صورت پیروزی به عنوان نایب رئیس اول خود معرفی خواهد کرد و اسلامیان نایب رئیس دوم و الهه عرب عامری نیز نایب رئیس بانوان او می‌شوند. هدایت فوتبال به سمت سودآوری، حراست از حقوق فوتبال، ارتقای ارتباطات، تدوین نظام حقوقی فوتبال مرتبط با درآمدزایی، تمرکز بر هواداران فوتبال، جلب مشارکت نهادهای تجارتی و مشارکت حداکثری جامعه مهم‌ترین اهداف مهدی تاج برای تصاحب آرای حداکثری هستند.

عزیزاله محمدی

عزیزاله محمدی زمانی برای فوتبال‌دوستان شناخته شد که ریاست سازمان لیگ فوتبال به او سپرده شد. عزیزاله محمدی رئیس فعلی اتحادیه فوتبال ایران است. او در دوره اول ریاست علی کفاشیان زمانی که انتظار نمی‌رفت اوضاع فوتبال تا این حد رو به وخامت برود مسئولیت سازمان لیگ را پذیرفت و در این مدت تلاش کرد تا برنامه رقابت‌های لیگ برتر با نظم خاص و طبق استانداردهای موجود برگزار شود. محمدی در مدت حضورش در فدراسیون اختلافاتی هم با کفاشیان داشت تا جایی که در دوره دوم ریاست او دیگر جایی در فدراسیون برای او باقی نماند. نکته جالب اینکه عزیزاله محمدی در انتخابات دوره گذشته هم نامزد ریاست فدراسیون شده بود اما در رقابت با کفاشیان و قریب نتوانست به هدفش برسد.

توسعه منابع انسانی، ارتقای جایگاه بین‌المللی فوتبال ایران، تبدیل فوتبال به عامل وفاق ملی، کاهش هزینه‌های جاری باشگاه‌ها طبق قوانین روز فیفا و یوفا، اعتلای سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه فوتبال، توجه به هواداران و اصلاح و ارتقای ساختار فدراسیون فوتبال، حضور در جمع چهار تیم برتر آسیا و حضور دائمی در مسابقات جهانی و المپیک، توسعه و گسترش فوتبال، راه‌اندازی و ارتقای سطح کمی و کیفی فوتبال بانوان، توجه به تیم‌های پایه، همکاری با باشگاه‌ها، شفافیت مالی و ایجاد مکانیسم قانونی برای جلوگیری از فساد احتمالی و حمایت از کلیه فعالان عرصه فوتبال اعم از مدیران، پیشکسوتان، مربیان، داوران و بازیکنان و استفاده از آنها در فدراسیون فوتبال از رئوس مهمی است که عضو پیشین هیئت مدیره باشگاه فجر سپاسی در برنامه‌هایش به آنها اشاره کرده است.

سردار عزیزاله محمدی که سابقه سرپرستی تیم امید را هم در کارنامه دارد فعالیت فوتبالی‌اش را از مدیریت در باشگاه فجر سپاسی شروع کرد و در ستاد نیروی زمینی سپاه، قرارگاه خاتم الانبیا و نیروی مقاومت بسیج نیز حضوری فعال داشته است. وی برای پست نایب رئیسی اول علی فتح‌اله‌زاده برای پست نایب رئیسی دوم منصور قنبرزاده و برای پست نایب رئیسی بانوان الهه عرب عامری را در لیست مدیران خود قرار داده است.

مصطفی آجرلو

مدیریت آجرلو در باشگاه پاس تهران را فوتبال‌دوستان هنوز به خاطر دارند. مصطفی آجرلو برای رفتن به ساختمان خیابان سئول و جانشینی کفاشیان گام بلندی برداشته است.

مدیرعامل پاس روزهای خوشی را در این باشگاه سپری کرد. علاوه بر معرفی چندین بازیکن جوان به فوتبال ایران در زمان مدیریت آجرلو پاسی‌ها قهرمانی در لیگ برتر فوتبال را جشن گرفتند. آجرلو هشت سال پیش هم در فکر ریاست فدراسیون فوتبال بود اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که او از این تصمیمش صرف نظر کرد.

سوابق مدیریتی آجرلو در فوتبال قابل توجه است؛ مدیرکل تربیت بدنی سپاه، مدیرعامل باشگاه فجرسپاسی و استیل آذین، رئیس تربیت بدنی شهرداری و رئیس تربیت بدنی نیروهای مسلح مهم‌ترین پست‌هایی بوده که آجرلو در این سال‌ها تجربه کرده است. اصلاح و ارتقای ساختار فدراسیون فوتبال، تقویت هیئت‌های ورزشی، حرفه‌ای نمودن باشگاه‌های کشور، ارتقای جایگاه بین‌المللی فوتبال ایران در نهادهای منطقه‌ای و جهانی، ارتقای مشارکت‌های مردمی، اعتلای سطح فرهنگی جامعه فوتبال، حضور در جمع چهار تیم برتر آسیا، ارتقای سطح کمی و کیفی فوتبال بانوان و ارتقای وضعیت داوری در یک فرایند چهار ساله اهداف اصلی این نامزد فدراسیون است.

گزارش ۲
دنیا حیدری

زوایای تاریک یک مدیریت ۸ ساله

دونده‌ای که فوتبال را دور زد

هشت سال نشستن روی صندلی فدراسیون فوتبال، در ذهن خود کفاشیان هم نمی‌گنجید. اما یک اتفاق، او را با دنیای فوتبال آشنا کرد و چند روز دیگر او ساختمان سیاه‌رنگ خیابان سئول را ترک می‌کند. انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال بهانه‌ای بود برای نگاهی به دوران ریاست کفاشیان؛ مردی که همه‌چیز را در این هشت سال با خنده و لبخند از سر خود باز کرد.

پای کفاشیان را در واقع علی‌آبادی به فوتبال باز کرد. رئیس تربیت بدنی سابق که نمی‌توانست صندلی ریاست فدراسیون فوتبال را به دست گیرد، سر یک کل کل، کفاشیان را وارد بازی فوتبال کرد. خود کفاشیان در خصوص نحوه حضورش در فدراسیون فوتبال می‌گوید: «سال ۸۶ قرار بود که آقای علی‌آبادی به عنوان رئیس فدراسیون فوتبال معرفی شوند اما بالاجبار کنار کشید و من به عنوان تنها کاندیدا ماندم و به صورت تحمیلی و اشتباهی رئیس فوتبال شدم. جای من در کمیته ملی المپیک خوب بود ولی علی‌آبادی که آن روزها رئیس سازمان تربیت بدنی بود به من گفت شما صوری در انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کن و بعد به نفع من کنار برو! ولی جریان برعکس شد و کمیته انتقالی صلاحیت علی‌آبادی را تأیید نکرد و من شدم رئیس فدراسیون فوتبال!»

■ روابط بین‌الملل ضعیف و یک‌طرفه!

یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای کفاشیان در انتخابات کنفدراسیون فوتبال آسیا رقم خورد. در این انتخابات، کفاشیان که کاندیدای عضویت در کمیته اجرایی فدراسیون آسیا بود، به خاطر اینکه شانس نایب رئیس شدن سعیدلو رئیس سازمان تربیت بدنی وقت را بالا ببرد، از کاندیداتوری انصراف داد. درحالیکه بن‌همام رئیس وقت کنفدراسیون فوتبال آسیا در سفر خود به تهران به طور خصوصی به سعیدلو یادآور شده بود که شانسی برای انتخاب شدن به عنوان نایب‌رئیس AFC ندارد و بهتر است در این انتخابات شرکت نکند. او همچنین تأکید کرده بود کفاشیان به احتمال ۹۹ درصد به عنوان عضو کمیته اجرایی کنفدراسیون فوتبال آسیا انتخاب خواهد شد. اما کفاشیان بی‌توجه به این توصیه، انصراف داد تا در نهایت سعیدلو هم مقابل نماینده نپالی شکست بخورد و کرسی ۱۱ ساله ایران در کمیته اجرایی آسیا از دست برود. درحالی که این کرسی از زمان صفایی فراهانی در اختیار فوتبال ایران بود و دادکان هم در دوران ریاستش در فدراسیون فوتبال، این پست را برای ایران حفظ کرده بود. بعد از بن همام، شیخ سلمان روی کار آمد که کفاشیان همواره به دوستی با او اشاره و افتخار می‌کند. رفاقتی که البته تنها در حرف بود و جز انتخاب فدراسیون ایران به عنوان بهترین فدراسیون فوتبال آسیا که در داخل نیز انتخابی مضحک به نظر می‌رسید و پست تشریفاتی نایب رئیس منطقه آسیای مرکزی چیزی برای کفاشیان و فدراسیون او به دنبال نداشت. این مسئله بیش از همه زمانی نمود پیدا کرد که عربستان با ایران دچار چالش شد و به بهانه واهی عدم امنیت ایران، از حضور در ایران برای برگزاری بازی‌های جام باشگاه‌های آسیا سر باز زد و روابط دوستانه کفاشیان به رغم آنچه که تعریفش را می‌کرد، نتوانست حق ایران را از سعودی‌ها بگیرد و شیخ سلمان همانطور که انتظار می‌رفت از عربستان حمایت کرد.

■ ناکامی‌های سریالی تیم‌های ملی

با یک انتخاب اشتباه در عزل و نصب دایی، که کفاشیان در برنامه ۹۰ اذعان کرد که نه در انتخابش نقش داشته و نه در اخراجش، سپردن کار به مایلی کهن، مربی ناکام تیم ملی در مقدماتی جام جهانی ۹۸ که با بیانیه‌های معروفش و وارد کردن واژه‌هایی همچون «گروهبان قندلی» و «گنده باقالی» به ادبیات فوتبال ایران، جو را ملتهب‌تر کرد و سپردن کار به قطبی، مربی اورژانسی تیم ملی که با شعار «دو کره را مثل کف دست می‌شناسم» به میدان آمد و کار به جایی نبرد، پرونده رویاهای جام جهانی ۲۰۱۰ بسته شد. البته تیم ملی چهار سال بعد، راهی جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل شد اما این موفقیت نتوانست پوششی باشد بر ناکامی‌های پرتعداد فوتبال در دوران ریاست کفاشیان. ناکامی در دو جام ملت‌های آسیا و صدالبته ادامه روند نزولی و شکست خوردگی تیم فوتبال امید که از دوره‌های قبل به کفاشیان و فدراسیونش ارث رسیده بود و او هم نتوانست جلوی آن را بگیرد، علاوه بر دو ناکامی در جام ملت‌های آسیا برای تیم‌ملی دو ناکامی در صعود به المپیک و دو شکست در بازی‌های آسیایی را نیز به کارنامه او اضافه کرد.

■ پرونده قطور کرد

یکی از شاخص‌ترین نقاط سیاه پرونده کفاشیان، فساد در فوتبال است. فسادی ثابت شده که پرونده قطور آن در مجلس نیز دست به دست و مهر تأیید بر آن زده شد؛ پرونده‌ای که بارها پای رئیس فدراسیون فوتبال را به خانه ملت کشاند اما کفاشیان هر بار در مقابل اتهامی که به او زده شد خنده تحویل داد. راهکاری که طی هشت سال گذشته هر بار برابر مشکلات فوتبال ارائه می‌کرد. افزایش فساد اخلاقی، بالا و پایین شدن پول‌های میلیاردی در فوتبال، عدم شفاف‌سازی در قراردادهای بسته شده مربیان، پول‌های خارج شده از ایران به عنوان تنخواه تیم‌ها، حضور افرادی در کنار تیم‌های ملی و در فدراسیون که هیچ تعریف مشخصی از سمت آنها وجود نداشت و گفته می‌شد دست راست و چپ کفاشیان هستند و شایعات مختلف منتصب به آنها از جمله مواردی بود که کفاشیان هرگز پاسخ درستی به آنها نداد و در مقابل تنها یک چیز گفت که فوتبال پاک است!

■ هرج و مرج‌های ریالی

تصمیمات اشتباه در دوران ریاست کفاشیان در فدراسیون فوتبال یکی دو تا نیست. راه‌اندازی مسائلی از جمله منشور اخلاقی، کمیته اخلاقی و نظیر آنها از جمله علایق رئیس فدراسیون فوتبال بود که با بهانه‌های زیبا و کاربردی راه‌اندازی شد اما هرگز نتوانست تأثیری در ایجاد اخلاق‌مداری در فوتبال داشته باشد و در مقابل سکوتش برابر بی‌اخلاقی‌ها و اشتباهات محرز، راهی بود برای ترویج فسادهای اخلاقی که حالا فوتبال را در بر گرفته. علاوه بر آن، تصمیمات اشتباهی که در زمینه سقف قراردادها و سقف بودجه تحت عنوان نظارت بر پرداختی‌های باشگاه‌ها به بازیکنان گرفته شد، ضربه‌ای مهلک به فوتبال وارد کرد و باعث رواج پول‌های زیرمیزی، عقد قراردادهای صوری و ورود پول‌های کلان و باز شدن باب قراردادهای میلیاردی در فوتبال شد. آن هم از جیب بیت‌المال و مردمی که به دلیل تحریم‌ها، با مشکلات فراوان اقتصادی مواجه بودند. اما پول آنها به لطف تصمیمات اشتباه و عدم نظارت درست کفاشیان و فدراسیون او به جیب فوتبالی‌هایی سرازیر شد که مستحق آن نبودند.

جلوی ورود «علی کفاشیان»ها را بگیرید

نگاه
سعید احمدیان

انتخابات فدراسیون فوتبال قرار است روز یک‌شنبه آینده برگزار شود تا رئیسی که قرار است به ریاست هشت ساله علی کفاشیان پایان دهد و فوتبال را از وضعیت ناهنجاری که در طول سال‌های مدیریت یک دوومیدانی کار بر آن حاکم شده است نجات دهد معرفی شود. به هر حال آن قدر نقاط منفی و سیاه در دوران حضور کفاشیان در فدراسیون فوتبال وجود دارد که برای رفتن او شمارش معکوس خیلی وقت است آغاز شده و فوتبالی‌ها امیدوارند که با آمدن یک رئیس جدید، فوتبال در مسیر درستی قرار بگیرد. همه این امیدواری‌ها در حالی است که با توجه به سیستم دولتی حاکم بر فوتبال کشورمان امید بستن به تغییر شرایط با آمدن یک رئیس جدید بیشتر به یک سراب می‌ماند. سیستمی که نه از روی شایستگی بلکه بر اساس منافع سیاسی و مدیریتی، هشت سال پیش علی کفاشیان را رئیس فوتبال ایران کرد، مدیری که هیچ سر رشته‌ای از این ورزش نداشت و تنها به دستور رئیس وقت سازمان تربیت بدنی وارد کارزار انتخابات شد تا اهداف و برنامه‌های علی آبادی را در فوتبال پیگیری کند. سیاست‌های حاکم بر فدراسیون فوتبال در این هشت سال آسیب‌های زیادی را به مجموعه فوتبال وارد کرد و زمینه را برای افزایش فساد و سوءاستفاده و دست‌اندازی به بیت‌المال فراهم کرد. این را می‌شود نتیجه سیستم دولتی حاکم بر فوتبال به حساب آورد؛ سیستمی که در بخش‌های دیگر هم می‌تواند جاده صاف‌کن فساد شود، به خصوص اینکه وقتی در انتخابات و انتصابات رابطه و اهداف سیاسی و شخصی جای ضابطه را می‌گیرد و نتیجه آن شرایطی است که امروز بر فوتبال حاکم است، وضعیتی که اعتراض افکار عمومی را به همراه داشته و سبب شده تا به رغم محبوبیت و جذابیت این رشته در بین مردم، آنها گارد تهاجمی و منفی‌ای نسبت به فوتبالیست‌ها و مدیران باشگاه‌ها و فدراسیون داشته باشند.

به وجود آمدن چنین شرایطی بیشتر از آن که به مدیر خاصی برگردد، به شرایطی برمی‌گردد که زمینه را برای ورود مدیران نالایق و فاسد به بخش‌های مدیریتی ورزش فوتبال باز می‌کند و سبب می‌شود تا این ورزش با توجه به گردش چند هزار میلیاردی در سال، تبدیل به یک حیاط خلوتی شود برای کسانی که با غیاب مدیریت صحیح و درست، زمینه را برای سوءاستفاده فراهم می‌بینند و سالانه میلیاردها تومان سود می‌برند. به همین خاطر بدیهی است تا زمانی که این سیستم اصلاح نشود نباید چندان امیدوار به قرار گرفتن فوتبال ایران در یک مسیر درست بود، هر چند استثناهایی هم وجود دارد اما این مدیران استثنایی تنها یک جرقه در فوتبال ایران هستند که کارنامه‌شان تحت‌الشعاع سوءمدیریت‌های مدیران بعدی قرار می‌گیرد و باعث می‌شود تا در مجموع فوتبال، بیشترین ضربه‌ها را از مدیرانش خورده باشد.

این مسئله هم به عدم پاسخگویی این مدیران به مقام‌های بالاتر به رغم استفاده از بودجه دولتی برمی‌گردد، هر چند علی کفاشیان همواره سعی داشت فدراسیون را یک مجموعه مستقل از دولت معرفی کند اما ارتزاق این مجموعه از بودجه دولتی، هیچ گاه قطع نشد و می‌توان گفت که فدراسیون و باشگاه‌ها با بودجه دولتی در حال گذران امور هستند، به طوری که در صورت نرسیدن منابع دولت، توان اداره مجموعه‌شان را ندارند. در چنین سیستم‌هایی مدیر به جای درآمدزایی به مدیر هزینه تبدیل می‌شود و به خصوص در مجموعه‌ای مانند فوتبال که با دستمایه قرار دادن واژه تعلیق، خودشان را از هرگونه پاسخگویی و شفاف‌سازی به مراجع قانونی و نظارتی مبرا می‌دانند؛ مسئله‌ای که در زمان کفاشیان به خوبی خودش را نشان داد و او با سوءاستفاده از حربه تعلیق، از زیر بار مسئولیت فسادهای گسترده در مجموعه مدیریتی‌اش شانه خالی کرد و با خنده پرونده‌های قطور مالی و اخلاقی‌ای که در زمان حضور او تهیه شده است را بی‌اعتبار عنوان می‌کرد. به همین خاطر بدیهی است تا زمانی که سیستم حاکم بر فوتبال اجازه ورود مدیرانی ناکارآمد را بدهد و نظارت و پاسخگویی را از او طلب نکند، جا به جایی افراد و رفتن کفاشیان و آمدن یک مدیر جدید نخواهد توانست دردی از این فوتبال دوا کند.

---

۷۰ سال و ۳۳ رئیس

صندلی پر رفت و آمد فدراسیون فوتبال

نوستالژی

سال ۱۳۲۵ بود که اولین رئیس فدراسیون فوتبال ایران برای هدایت این رشته پرطرفدار و پرحاشیه معرفی شد. شاید وقتی علی کنی به عنوان اولین رئیس فدراسیون فوتبال انتخاب شد و سال بعد هم به عضویت فیفا درآمد هرگز فکرش را نمی‌کرد که فدراسیونی که او به عنوان اولین رئیس روی صندلی‌اش نشست امروز یکی از پرهیاهوترین و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فدراسیون‌ها حتی در امور سیاسی باشد.

بعد از علی کنی و تا زمان پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ۱۳ نفر دیگر در ادوار و سال‌های مختلف ریاست فدراسیون فوتبال را برعهده گرفتند که نتیجه این ریاست‌ها حضور در یک جام‌جهانی، حضور در یک المپیک و سه قهرمانی جام ملت‌های آسیا و قهرمانی در رده‌های جوانان و تیم‌های پایه فوتبال در قاره کهن بود.

■ تحول فوتبال با انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، فوتبال ایران نیز متحول شد. شاید از بخت بد ناصر نوآموز بود که وقتی طی سال‌های ۵۸ تا آبان ۵۹ رئیس فدراسیون فوتبال شد، فوتبال هم آوردگاه المپیک را در پیش داشت و هم جام ملت‌های آسیا را. البته نوآموز نسل فوق تصور فوتبال ایران را المپیکی کرد اما المپیک ۱۹۸۰ به دلایل سیاسی تحریم شد تا تیم ملی ایران در این دوران تنها به مقام سومی جام ملت‌های آسیا بسنده کند؛ مقامی که فقط تحت تأثیر شروع جنگ تحمیلی به دست آمد و الا آن تیم فقط به قهرمانی می‌اندیشید.

■ دوران افول

بعد از نوآموز و طی هفت سال، هفت رئیس مختلف ریاست فدراسیون فوتبال را بر عهده گرفتند. این دوران یعنی از آبان ۵۹ تا آبان ۶۶ دوران افول فوتبال ایران بود که البته نباید از تأثیر مستقیم جنگ تحمیلی و شرایط خاص کشور بر آن به سادگی گذشت؛ دورانی که فوتبال ایران به رغم برخورداری از ستاره‌های بزرگ نتوانست در آسیا و دنیا جلوه‌ای داشته باشد.

■ آغاز اوج‌گیری دوباره

سال ۶۶ و آبان ماه از راه رسید. محمدرضا پهلوان به ریاست فدراسیون فوتبال رسید؛ ریاستی که تقریباً دو سال به طول انجامید ولی یک ثمره شیرین به همراه داشت و آن کسب مقام سومی رقابت‌های جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۸ بود. پس از او نوآموز دوباره هدایت فوتبال را به دست گرفت و تا سال ۷۲ برنامه‌های خود را پیاده کرد و موفق شد قهرمانی بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن را نصیب ایران کند. این دوران با ریاست‌های محمد صفی‌زاده، امیر عابدینی و داریوش مصطفوی تا سال ۱۳۷۶ و در نهایت مقام سومی جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ به پایان رسید تا فوتبال ایران آماده یک پوست‌اندازی بزرگ شود.

■ دوران طلایی

دی ماه ۱۳۷۶ با روی کارآمدن محسن صفایی فراهانی نگاه‌ها به فوتبال بیشتر جلب شد؛ مردی که هیچ سررشته‌ای از فوتبال نداشت اما پایه‌گذار تحولی اساسی و خوب در این رشته شد؛ تحولی که ثمره آن به روز شدن فوتبال و آمدن مربیان تأثیرگذار خارجی به فوتبال ایران شد. صعود به جام‌جهانی ۱۹۹۸ فرانسه دو قهرمانی پی در پی در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ و به دست آوردن کاپ بازی جوانمردانه برای فوتبال ایران در جام‌جهانی از جمله موفقیت‌های دوران پنج‌ساله صفایی فراهانی بود. او لیگ برتر را هم راه‌اندازی کرد و کار را به دست محمد دادکان داد. فوتبال ایران با محمد دادکان طی سال‌های ۸۱ تا ۸۵ در جام ملت‌های آسیای ۲۰۰۴ سوم شد، به مقام سوم بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ رسید و به جام‌جهانی ۲۰۰۶ هم راه یافت ولی اتفاقاتی که بعد از جام‌جهانی رخ داد، سبب تعلیق فوتبال شد تا فدراسیون بی‌رئیس بماند و کار به کمیته انتقالی کشیده شود.

■ از کمیته انتقالی تا کفاشیان

از تیر ماه ۱۳۸۵ تا دی ماه ۱۳۸۶ فوتبال ایران توسط کمیته انتقالی فیفا به ریاست محسن صفایی فراهانی اداره شد؛ کمیته‌ای که کارش نظارت بر تدوین و تصویب اساسنامه فدراسیون فوتبال مطابق با قوانین فیفا بود و بعد از این دوران بود که علی کفاشیان با رأی مجمع عمومی فدراسیون فوتبال در دی ماه ۸۶ به ریاست این فدراسیون انتخاب شد تا روز یک‌شنبه آینده پس از هشت سال ریاست بر این فدراسیون جای خود را به نفر بعدی بدهد.